

نامه آن جناب بین یدی العرش حاضر و بر مقرر آنه لا یعرف بما سواه

واصل ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۵۷۶

جناب محمد علی علیه بهاء الله

بنام یگنا خداوند دانا

نامه‌ات رسید ندایت را شنیدیم و در سجن اعظم از مالک قدم آنچه مصلحت است از برای تو خواستیم انسان خود بر نفع و ضرر خود آگاه نه علم غیب مخصوصست بذاته تعالی بسا میشود انسان امر را که بنظرش پسندیده است از حق جلّ جلاله مسئلت مینماید و بعد کمال ضرر از او حاصل لذا قلم اعلی مقام توکل و تفویض را القا فرمود بر هر صاحب بصر و ادراکی معلوم و واضحست که از حق جلّ جلاله آنچه ظاهر میشود از مقتضیات حکمت بالغه بوده و هست و اگر کسی تفویض نماید و توکل کند البته آنچه مصلحت اوست ظاهر شود باید باسباب تمسک نمود و متوکلّاً علی الله مشغول گشت قل

الهی الهی قد اقبلت الیک و توجهت الی بحر جودک و سماء عطائک و مشرق فضلك اسألك بأن تکتب لی من قلبک الأعلی خیر الآخرة و الأولى ای ربّ انا الذی توکلت علیک و فوّضت اموری الیک اسألك بأن تقدّر لی ما ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک ثمّ اجعلنی یا الهی مستقیماً علی امرک بحيث لا تمنعنی صفوف العالم و ضوضاء الأمم أنّک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت القویّ الغالب القدير



ORIGINAL